

بررسی و تحلیل نوع نگاه پژوهشگران ایرانی به موضوع «سبک‌شناسی ادبیات پایداری»

نعمه آقانوری*

مه‌ب‌ود فاضلی*

چکیده

ادبیات پایداری یکی از گونه‌های ادبی است که با توجه به دارا بودن ابعاد گوناگون، از دهه‌های پیشین مورد پژوهش محققان قرار گرفته است. این نوع از ادبیات در دوره حیات خود تغییرات و تحولاتی را پشت سر نهاده است که شاخه‌ای از این تحولات مربوط به زبان و ساختار آن است. هدف پژوهش پیش رو، بررسی و تحلیل نگاه سبکی ساختاری محققان به ادبیات پایداری (شامل حداقل دو نوع ادبیات: ادبیات انقلاب و ادبیات دفاع مقدس) است تا به این سوال پاسخ داده شود که پژوهشگران در باب سبک و ساختار ادب پایداری چه برداشت و تحلیل‌هایی ارائه کرده‌اند و به عبارت دیگر دیدگاه آنها در باب سبک ادب پایداری چیست؟ با بررسی پژوهش‌های ارائه‌شده، با نگاه سبکی ساختاری در حوزه ادبیات پایداری به کشف مشابهت‌ها و طبقه‌بندی نظریات پرداخته شده و تحلیلی جامع از این موضوع ارائه گردیده‌است.

کلید واژه‌ها: ادبیات پایداری، ادبیات دفاع مقدس، ادبیات انقلاب، سبک‌شناسی، ساختار.

* دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا n.aghanouri@yahoo.com

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا ma.fazeli@alzahra.ac.ir

۱- مقدمه

در طول سالیان متمادی در پژوهش‌های متنوع و فراوانی که در حوزه پایداری ارائه گردیده است تعاریف گوناگونی از ادب پایداری بیان شده است؛ در مقاله «ادبیات مقاومت، جلوه‌ها و ارزش‌ها» در تعریف ادب پایداری یا مقاومت چنین آمده است: «ادب مقاومت، ادب ستهندگی و چالش است، ادب پایداری فرهنگی ملّتی که به مرزهای خودباوری گام‌درکشیده و بر آن است تا فرا و فراتر رود.» (سرهنگی: ۱۳۷۱)؛ همچنین نظر ضیاءالدین ترابی درباره این موضوع چنین است: «ادبیات پایداری درواقع مقاومت انسان را در برابر نیروهایی که حیات، شرافت، ناموس، شخصیت و هویت او را نشان گرفته‌اند به تصویر می‌کشد، ادبیاتی که به انسان انگیزه می‌دهد تا از خود و کیان و حیات خود در برابر نیروهای مهاجم و نابودکننده دفاع کند.» (ترابی: ۱۳۸۳)، رضا چهرقانی نیز معتقد است: «ادب پایداری نوعی اعتراض نهفته است، شاعر مقاومت پیش از هر اقدامی در مقام نفی است و به چیزی «نه» می‌گوید؛ این «نفی»، «نه» و «اعتراض» می‌تواند متعلق‌های گوناگونی بپذیرد و بر اساس این متعلقات می‌توان برای مفهوم ادب و هنر پایداری سطوح مختلفی را ترسیم نمود.» (چهرقانی: ۱۳۸۳)؛ اما آنچه در این تحقیق به عنوان تعریف مختار انتخاب شده است، تعریفی است برگرفته از شاخص‌های اصلی ارائه‌شده در پژوهش‌های حوزه پایداری (برای اطلاعات بیشتر در این زمینه و دلایل انتخاب تعریف مذکور، رک آقائوری، ۱۳۹۳)؛ از دید این پژوهش، **ادبیات پایداری ادبیاتی است سیاسی اجتماعی که در عین تشریح و توصیف ایستادگی‌ها و مقاومت‌ها در برابر زورگویی و تهاجم، به بیدارگری و عدالت‌خواهی می‌پردازد؛** با توجه به این دیدگاه، ادبیات پایداری در معنای عام، ادبیاتی است با زیربنای اجتماعی و متأثر از مسائل خاص و چالش‌برانگیز سیاسی و تأثیرگذار و جهت‌دهنده به آنها. ادب پایداری در نظر محققان ایرانی شامل حداقل دو نوع اصلی «ادب-انقلاب» و «ادب دفاع مقدس» می‌شود.

تعاریف محققان ادبیات از «سبک»، نشان‌دهنده تفاوت دیدگاه‌ها در باب این موضوع خاص است؛ محمد تقی غیائی اعتقاد دارد «تعریف سبک‌شناسی، از دیدگاه نو، بررسی شرایط کلامی و صوری ادبیت است» (غیائی، ۱۳۷۳: ۴۹)، محمود درگاهی درباره سبک‌شناسی آورده است «دانش سبک‌شناسی بیشتر به مختصات ظاهری و زبانشناسی اعتبار می‌دهد» (درگاهی، ۱۳۸۳: ۳۶)، همچنین مهدی باقری در پژوهش خود پس از ارائه تعاریفی از اصطلاح «سبک» در ادبیات، بیان می‌کند که «این علم (سبک‌شناسی)، از جمله علومی است که علمای آن، با وجود تلاش نتوانستند تعریف دقیقی از آن ارائه کنند» (باقری، ۱۳۹۰: ۶).

در این پژوهش با توجه به گستردگی تحقیقات ارائه شده با این موضوع در حوزه ادب پایداری، این واژه در معنایی گسترده‌تر از آنچه غالباً در ادبیات مدّ نظر قرار می‌گیرد در نظر گرفته شده‌است تا بتواند تحقیقات فراوان‌تر مشابهی را در ذیل خود بگنجاند؛ به همین سبب در این مقال منظور از نگاه سبکی (سبکی ساختاری) در تحقیقات حوزه پایداری، نوع نگاهی است که به واسطه آن سعی محقق در جهت شناسایی ویژگی‌های سبکی و ساختاری و زبانی ادب‌پایداری باشد. به عبارت دیگر، نگاهی است که به ویژگی‌های ساختی- زبانی ادبیات پایداری نظر دارد. با عنایت به مقدمات فوق، در این مقاله در نظر داریم به این سؤال پاسخ دهیم که: دیدگاه اصلی محققان ایرانی در باب سبک اصلی ادبیات پایداری چیست؟

۱-۱- آمار تحقیقات ارائه شده در این زمینه^۱

چنانکه اشاره شد، ادبیات‌پایداری در معنای عام خود ادبیاتی است با محتوا و زیربنای سیاسی اجتماعی که در ایران، خصوصاً از حوالی سال ۱۳۵۷ به بعد، به عنوان عنصری پویا و کارآمد در حوزه ادبیات مورد توجه ویژه اهالی علم واقع گردید و به دلیل دارا بودن ابعاد گوناگون محتوایی، محققان و پژوهشگران رشته‌های مختلف علمی چون زبان و ادبیات فارسی و علوم اجتماعی را به حیطه بحث و گفتگو پیرامون آن کشاند. آثار این توجه و تعمق علمی که در راستای کشف ماهیت و کیفیت ادب‌پایداری شکل گرفت، در قالب کتاب، پایان‌نامه، مقاله بروز یافته و در دسترس مخاطبان خاص خود قرار گرفته‌است. پژوهش‌های انجام‌گرفته در این حوزه با توجه به شباهت‌های موضوعی به گروه‌هایی قابل تقسیم هستند که در این میان، نگاه سبکی در پژوهش‌های پایداری مربوط به آن دسته از پژوهش‌هایی می‌شود که سعی نویسنده در آنها در جهت شناخت ساختار اصلی و سبک‌شناسی ادب‌پایداری ایران است. سبک‌شناسی ادبیات پایداری از مواردی است که در طیف وسیعی از تحقیقات حوزه پایداری حتی بدون اشاره مستقیم به این بررسی در عنوان تحقیق مورد توجه واقع شده‌است و از این حیث ارائه آمار مشخصی از پژوهش‌های انجام‌گرفته در این حوزه دشوار است، اما می‌توان به ۱۸ پژوهش اصلی اشاره کرد که به‌طور خاص به موضوع مورد بحث پرداخته در باب آن سخن گفته‌اند. گفتنی است تعدادی از پژوهش‌ها با عناوین مرتبط و مطالب نامرتبط به موضوع مورد بحث، پیش از آغاز بررسی از حوزه پژوهش ما خارج شده‌اند و پژوهش‌های دیگر با مطالب مرتبط جایگزین آنها گردیده‌اند. همچنین

^۱- این مقاله نتیجه بررسی‌های انجام‌گرفته در پایان‌نامه نویسنده با عنوان «نقد و تحلیل پژوهشهای چایی ادبیات پایداری در ایران تا پایان سال ۱۳۹۰» (تربیت مدرس. ۱۳۹۳) است؛ در این پایان‌نامه، (بیش از) ۵۰۳ پژوهش حوزه ادبیات پایداری اعم از پایان‌نامه، مقاله و کتاب، معرفی یا نقد شده‌اند.

تحقیقات انجام‌شده، بیش از هر چیز در حوزه ادب‌پایداری به ادبیات دفاع مقدس نظر داشته و این نوع از ادبیات را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ از این حیث به شیوه تسمیه بر اساس وجه غالب، در این پژوهش از لفظ «دفاع مقدس» استفاده شده‌است.

۲- سبک ادبیات‌پایداری شکل گرفته در ایران در نگاه محققان

پیش از آغاز بحث لازم است به این نکته اشاره کرد که محققان حوزه ادب‌پایداری با نگاه سبکی‌ساختاری، عمده توجه خود را به سبک‌شناسی شعر منعطف کرده‌اند و حتی آنان که در باب سبک ادب‌پایداری مطلبی ارائه کرده‌اند از شعر‌پایداری، و نه از داستان و نثر، سخن گفته‌اند. این امر شاید به مشخص‌تر بودن تغییر و تحول در شعر نسبت به داستان، یا فراوانی اشعار پایداری نسبت به داستان‌پایداری، یا علاقه شخصی محققان برای پرداختن به شعر در مسئله سبک‌شناسی برگردد، اما به هر حال می‌توان چنین بیان کرد که به نظر می‌رسد بعد از گذشت چند دهه از عمر پژوهش‌های ادب‌پایداری همچنان جای خالی بحث در مورد سبک‌شناسی داستان و رمان‌پایداری احساس می‌شود؛ از این حیث فراتحلیل سبک‌شناسی ادب‌پایداری نیز بیش از هر چیز (و نه بصورت مطلق) مربوط به سبک شعر‌پایداری خواهد بود.

در قسمت قبل، آماری از پژوهش‌های این حوزه ارائه گردید، در ادامه به بررسی و تحلیل نظریات و دیدگاه‌های محققان در این خصوص (سبک و ساختار ادب‌پایداری) پرداخته خواهد شد، با ذکر این نکته که با توجه به استخراج موارد زیر از موارد مشابه در پژوهش‌های گوناگون انتخابی، در ذیل پس از ذکر و توضیح مورد استخراجی، غالباً به بیان نمونه‌ای (یک نمونه) جهت شاهد ادعا اکتفا شده‌است:

بطور کلی دیدگاه سبکی محققان را می‌توان ذیل چند دسته خاص مورد بررسی قرار داد: وضعیت ساخت‌ها و عناصر زبانی شامل واژگان و ترکیبات؛ وضعیت قالب‌های ادبی؛ ویژگی‌های کلی ساختاری:

۱-۲- وضعیت ساختار زبانی: محققان در باب وضعیت ساختار زبانی ادب مقاومت، نظریات

گوناگونی ارائه کرده‌اند که این نظریات را می‌توان به چهار گروه تقسیم‌بندی کرد. در ذیل با توجه به تقسیم‌بندی مذکور، به تحلیل کلی نظریات می‌پردازیم:

۱-۲- عناصر زبانی جدید: بنا به عقیده دسته‌ای از محققان، تعدادی از عناصر زبانی در ادب پایداری وجود دارند که تا پیش از زمان انقلاب یا جنگ وجود نداشته‌اند و تنها در ادب مقاومت، ادبیات مقاومتی که پس از انقلاب اسلامی پدید آمده‌است ظهور یافته‌اند. این دسته از عناصر زبانی غالباً عناصر زبانی نظامی سیاسی و جنگی هستند. یکی از پژوهشگران در بیان تازگی بعضی ویژگی‌های زبانی ادب دفاع مقدس چنین آورده‌است که «...ششمین ویژگی زبانی در سروده‌ها [ویژگی‌های مختص ادب مقاومت و پایداری]... بسامد بالای واژگان متعلق به ابزارهای جنگی، نام عملیات‌ها و نمودهای جبهه مانند موشک، خمپاره و... است» (سنگری، ۱۳۸۹، ۹۱)؛ مواردی چون ورود بعضی اصطلاحات جنگی به شعر در دوران دفاع مقدس، هر چند از اقتضائات و حتی بدیهیات شعری این دوره خاص است اما با توجه به دگرگون شدن نسبی فضای شعر و ادبیات اهمیت ویژه‌ای دارد.

۲-۱-۲- توجه به بعضی عناصر زبانی و رواج آنها: گروه دیگری از محققان، به گسترش بسامد دسته‌ای از عناصر زبانی در ادبیات اعتقاد دارند؛ عناصری که پیش از انقلاب یا جنگ وجود داشته‌اند اما چندان در مرکز توجه و مورد استفاده گسترده شعرا و نویسندگان نبوده‌اند که می‌توان حضور پر رنگ آنها در ادبیات را مدیون این دوران خاص (انقلاب یا جنگ) تلقی کرد؛ این عناصر غالباً در سه دسته اصلی قابل تقسیم‌بندی هستند: عناصر محاوره‌ای و عامیانه، عناصر دینی، عناصر حماسی. از دید بعضی محققان «[از] مهم‌ترین ویژگی‌های واژگانی اشعار دفاع مقدس... کاربرد واژه‌های عامیانه» (شیرشاهی، ۱۳۹۰: ۱۶۸) است، چرا که «شاعر شعر انقلاب و دفاع مقدس برخاسته از توده مردم است» (همان). از دید بعضی دیگر نیز «ورود لغات و ترکیبات عربی، آیات قرآن، احادیث، اسامی شخصیت‌های دینی و... در قیاس با شعرهای قبل انقلاب، به شعر جنگ تشخص ویژه‌ای بخشید» (طاهری، ۱۳۷۸: ۲۰۷).

۳-۱-۲- تحول ساخت‌های زبانی: بعضی پژوهشگران به تحول در ساخت‌های زبانی، در جریان مقاومت اشاره کرده‌اند؛ یکی از پژوهشگران در پژوهش خود چنین آورده‌است: «تغییر دستگاه واژگانی... با تغییر در نگرش شاعران این جریان (جریان مقاومت)، در نوع گزینش آنها از واژه‌ها و اصطلاحات زبان نیز تغییر ایجاد شد... شاعر... به واژه‌های ویژه‌ای برای سخن گفتن از عواطف و عقاید خود نیازمند است، واژه‌هایی که باید نشان‌دهنده خشم و خروش و عصبانیت او باشد، واژه‌هایی خشن و حماسی که مظلومیت او را فریاد بزند... واژه‌هایی چون جنگ، جهاد، جنگل، شهید... خون و خنجر و...» (حسین‌پور، ۱۳۸۰: ۳۴۳) که از سخن این محقق می‌توان چنین برداشت کرد که با تغییر در نگرش افراد، واژگان و تعبیر آنها همسو با اهداف مبارزاتی مردم

متحول شد، تا جایی که از «کشته شدن» به «شهادت»، از «کشته» به «شهید»، از «پیکار و نبرد» به «جهاد» تعبیر شد و زبان، نماینده طرز فکر و عقیده مردم مبارز گردید.

این تحول می‌تواند در نوع دریافت از معنی عناصر زبانی نیز باشد به طوری که «واژگانی چوان، زلف، خط، خال، ابرو، بلبل، بهار،... یار، هجران، وصل و از این قبیل، رنگ و بوی جدید به خود گرفت» (اولیائی، ۱۳۷۳: ۶۷)؛ به عبارت دیگر، با توجه به فضای سیاسی دینی حاکم بر جامعه حتی واژگانی که تا پیش از این در اشعار عاشقانه و تغزلی ظهور می‌یافتند، معنایی سیاسی دینی بر خود گرفته به ادب پایداری وارد می‌شدند.

۴-۱-۲- متروک شدن بعضی عناصر زبانی: تعدادی از پژوهشگران به اجتناب شاعران و نویسندگان حوزه پایداری از دسته‌ای از عناصر زبانی اشاره کرده‌اند؛ واژگانی که به واسطه غلبه تفکر پایداری و مقاومت بر ذهن و روح شاعر و نویسنده از صحنه شعر و ادب پایداری طرد شده‌اند. این واژگان و تعبیر غالباً عناصری هستند که با فرهنگ و عقیده مردم و جامعه همخوانی ندارند، پس شاعر یا نویسنده پایداری که خود از جنس مردم است از کاربرد آنها اجتناب می‌ورزد؛ اولیائی با اشاره به این نکته بیان می‌کند که «شاعر (شاعر انقلاب) از رواج واژه‌ها و اصطلاحاتی که مهجور و دور از ذهن یا نشانه غربزدگی و موجب تکلف خود و دیگران است، به شدت دوری می‌کند» (همان). از دید این پژوهشگران، مردمی بودن شاعر و نویسنده مقاوم و توجه وی به آرمان‌های دینی و آرمان‌های ظلم‌ستیزانه، طرد واژه‌هایی را که یادآور فرهنگ غرب یا ادب متکلف هستند در پی داشته‌است.

۲-۲- وضعیت قالب‌ها: پژوهشگران حوزه پایداری در مورد قالب‌های ادبی خصوصاً قالب‌های شعری، نظریات گوناگون و در مواردی، متفاوت ارائه کرده‌اند که نگاهی به این نظریات، مبین اهمیت موضوع قالب‌ها و چگونگی ظهور و بروز آنها در ادب پایداری در دید محققان است.

این بخش از نظریات محققان را می‌توان در شش گروه تقسیم‌بندی کرد:

۱-۲-۲- شکل‌گیری قالب‌های شعری: دسته‌ای از پژوهشگران اعتقاد دارند تعدادی از قالب‌های شعری در ادب دفاع مقدس یا ادب انقلابی شکل گرفته‌اند. از دید این گروه، مضامین خاص ادب پایداری که نیاز به بستری مناسب برای ظهور و بروز داشتند، سبب ایجاد این قالب‌های ادبی شده‌اند؛ یکی از قالب‌هایی که غالب محققان پایداری به آن اشاره کرده‌اند، قالب غزل-مثنوی است. از دید غلامرضا کافی «غزل-مثنوی از قالب‌های ویژه ادبیات انقلاب به شمار می‌رود»

(کافی، ۹۱-۱۳۹۰: ۳۶۹)؛ این قالب حرکت مثنوی از قالب اصلی خود به سمت غزل و بازگشت دوباره به شکل و فرم اصلی خود است. (برای اطلاعات بیشتر ر.ک همان).

کافی در پژوهش دیگر خود به آفرینش مثنوی چهار لختی در ادب مقاومت پس از انقلاب اشاره می‌کند، وی یکی از ویژگی‌های شعر انقلاب را «آفرینش قالب مثنوی چهار لختی» (کافی، ۱۳۷۳: ۲۰۰) بر شمرده، در معرفی آن می‌نگارد «مثنوی چهار لختی چنان است که شاعر به جای آنکه دو مصراع را قافیه کند چهار مصراع را با یک قافیه می‌آورد و تأثیرگذاری شعر بدین سبب بیشتر می‌شود» (همان: ۲۰۳).

پژوهشگری دیگر در پژوهش خود به پیدایش (یا رواج) نوع خاصی از غزل با عنوان «غزل حماسی» اشاره کرده، می‌نویسد «در اشعار دوره جنگ» به غزل‌هایی بر می‌خوریم که... به سبب ویژگی خاصشان قابل ذکرند. این شعرها را می‌توان غزل حماسی نامید. قالب این اشعار، همان تعریف معروف غزل است... زبان نه درشت‌ناک است نه خشن، اما لحن و مضمون، حالتی را القا می‌کند که برانگیزانندگی حماسه را دارد و بسیار هیجان‌انگیز است» (فولادوند، ۱۳۷۳: ۳۶) به نظر می‌رسد این نوع (غزل حماسی)، می‌تواند تأثیر وضعیت عناصر فکری در پیدایش یا تحول- بخشی به قالبی شعری باشد.

در این راستا قالب‌های نسبتاً فراوان دیگری توسط محققان معرفی شده‌اند که عمده آنها رابطه- ای با قالب اصلی غزل یا مثنوی دارند و زیر شاخه‌های آنها تلقی می‌شوند؛ محمود طیب در پژوهش خود به‌طور جامع به بحث در باب قالب غزل و زیر شاخه‌های اصلی آن در ادب مقاومت پرداخته است. (طیب، ۱۳۸۹).

۲-۲-۲- تجدید حیات قالب‌های ادبی: در برابر محققانی که به شکل‌گیری قالب‌هایی خاص در ادب مقاومت (ادب انقلاب یا ادب جنگ) اعتقاد دارند، بعضی پژوهشگران بر این باورند که یکی از ویژگی‌های این نوع از ادبیات، احیای بعضی قالب‌های ادبی است؛ کافی به کرات در پژوهش- های مختلف خود بیان کرده‌است که «تجدید حیات مثنوی... یکی از ویژگی‌های بارز شعر انقلاب (است) که در واقع باید آن را خدمت این سبک به ادبیات فارسی نامید» (کافی، ۱۳۷۳: ۱۹۸). هرچند عده‌ای از پژوهشگران این نظر (تجدید حیات مثنوی در شعر انقلاب) را نپذیرفته یا مطالبی نسبتاً متناقض با آن ذکر کرده‌اند (ر.ک رستگار، ۱۳۷۳: ۴۳۵) اما به نظر می‌رسد این

قالب (مثنوی) را می‌توان در دسته قالب‌هایی تلقی کرد که نسبت به دوران حیات قبلی خود، در ادب مقاومت به نوعی از شکوفایی و اوج‌گیری رسیده‌اند.

۳-۲-۲- اوج‌گیری قالب‌های شعری: دسته‌ای از پژوهشگران به این موضوع معتقد هستند که تعدادی از قالب‌های شعری با توجه به نوع مضامین ادب‌پایداری بیش از سایر قالب‌ها مورد توجه واقع شدند، به نحوی که شریان اصلی شعر پایداری در آنها جریان یافت. در باب این موضوع نوعی اتفاق نظر بر قالب محوری بودن غزل وجود دارد؛ از دید یکی از محققان «غزل قالب اصلی و محوری شعر جنگ است» (شهابی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۷۳) چرا که با توجه به شرایط خاص انقلاب و جنگ «شاعران دفاع مقدس قالب غزل را مناسب‌ترین ظرف برای بیان احساسات و عواطف خود دیدند» (همان)؛ هرچند نمی‌توان نسبت به بعضی نظریات متفاوت در این باب بی- تفاوت بود چنانکه از دید پژوهشگری دیگر «غالب‌ترین قالب شعری این دوره (دوره شعری جنگ) از نظر کمیتی، رباعی و دوبیتی است» (فولادوند، ۱۳۷۳: ۳۴) تا جایی که از نظر وی «این مسئله به نوعی رباعی‌زدگی منجر شد» (همان). نیز پژوهشگر دیگری به رواج همزمان دو قالب غزل و رباعی معتقد است (ر.ک فیاض‌بخش، ۱۳۸۱) که شاید بتوان آن را نقطه تعادل دیدگاه‌های مختلف این بخش نامید.

در باب قالب‌های داستانی در حوزه پایداری، بسیاری از پژوهشگران به اصلی بودن و در رأس قرار داشتن (از نظر بسامد) داستان کوتاه اعتقاد دارند؛ چنانکه محمد حنیف از قول جواد جزینی بیان می‌کند که «داستان کوتاه پر اقبال‌تر است. دلیل آن هم... این است که نویسندگان این حوزه اغلب خود رزمنده بوده‌اند و هنوز فرصت نوشتن رمان را نداشته‌اند، چون رمان، آرامش و صبوری خاصی می‌خواهد که در اختیار آن دسته از نویسندگان نبوده است» (حنیف، ۱۳۸۸: ۱۵۴).

۴-۲-۲- تحول قالب‌های شعری: از دید عده‌ای از محققان تعدادی از قالب‌های اصلی ادبی با قرار گرفتن در معرض مفاهیم و مضامین جدید مبارزاتی دچار نوعی تحول و حتی تغییر مسیر شده‌اند؛ از دید ثریا شهابی‌پور «غزل پس از انقلاب هرچند شکل و فرم اصلی خود را از دوره‌های پیشین گرفته بود اما با توجه به حوادث منحصر به فرد زمان خود تجربه کاملاً متفاوت با گذشته بود» (شهابی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۷۳) که شاید بتوان دلیل آن را حماسی شدن و روی‌آوری به اصطلاحات و تعابیر اسطوره‌ای حماسی و در عین حال مردمی و شورانگیز معرفی کرد (برای اطلاعات بیشتر ر.ک همان: ۱۷۴). کافی این تحول سبکی را در قالب مثنوی می‌بیند و چنین

می‌نگارد: «پیش از این، مثنوی یک قالب وابسته می‌نمود که فقط می‌توانست محملی برای منظومه‌پردازی، قصه‌بافی درازگویی باشد؛ حال آن‌که در این عصر، با تشخیص یک قالب مستقل، نظیر غزل یا قصیده، خود را نمایان ساخت.» (کافی، ۹۱-۱۳۹۰: ۳۵).

۵-۲-۲- رکود قالب‌های شعری: در برابر قالب‌های شعری که از دید محققان در ادب مقاومت اوج گرفته‌اند، قالب‌هایی وجود دارند که از دید آنها در این حوزه خاص از توجه‌ها دور مانده و دچار رکود شده‌اند؛ چنانکه از دید بعضی، «... [در برابر قالب‌هایی چون غزل و مثنوی] سایر قالب‌های کلاسیک مانند قصیده، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مسمط و مستزاد در شعر جنگ کم کاربرد بوده و به ندرت در آثار شاعران مطرح آمده‌اند» (طاهری، ۱۳۷۸: ۲۰۰).

در باب قالب‌های داستانی ادب پایداری، محمد حنیف از قول زاهدی مطلق بیان می‌دارد که «رمان دفاع مقدس کمتر مورد توجه قرار گرفته‌است، زیرا رمان‌نویسی کار سختی است» (حنیف، ۱۳۸۸: ۱۵۵). در پژوهش حنیف قالب‌های پرکاربرد داستانی شناسایی و علل آنها واکاوی شده‌اند. (برای اطلاعات بیشتر ر.ک همان).

۶-۲-۲- تنوع قالب‌های شعری: عده‌ای از پژوهشگران فارغ از موضوع شکل‌گیری، رواج، کم‌کاربرد بودن قالب‌ها و امثالهم به تنوع قالب‌ها در ادب مقاومت اشاره کرده و به نوعی آن را از مزایا و نقاط قوت ادب پایداری به حساب آورده‌اند؛ چنانکه از دید فیاض‌بخش «یکی از ویژگی‌های اساسی شعر جنگ کاربرد قالب‌های مختلف شعری برای بیان مفاهیم و مضامین جنگ و مسائل پیرامون آن است» (فیاض‌بخش، ۱۳۸۱: ۱۱۹) از آنجا که این دیدگاه نه در تقابل یا همسویی خاص با نظریات مختلف محققان، بلکه جامع آنها است در بسیاری از پژوهش‌های سبکی دیگر به آن اشاره شده که سبب نوعی اتفاق نظر در باب تنوع قالب‌ها در ادب پایداری گردیده‌است.

چنانکه اشاره شد در این حوزه، پژوهش‌های مختصری صورت گرفته‌است که محمد حنیف در کتاب خود با اشاره به نظریات مختلف پژوهشگران پیرامون این موضوع، از زبان محمود اکبرزاده بیان می‌کند که «امروزه تنها در قالب رمان، می‌توانیم ادبیات دفاع مقدس را به صورت جدی ببینیم و تا حدودی داستان بلند هم توانسته در این موضوع متجلی شود. ولی هنوز دیگر قالب‌ها نتوانسته‌اند جایگاه واقعی خودشان را در ادبیات دفاع مقدس پیدا کنند» (حنیف، ۱۳۸۸: ۱۵۳).

۲-۳- ویژگی‌های کلی زبانی: دسته‌ای از پژوهشگران فارغ از بحث قالب و عناصر زبانی به ویژگی‌های اصلی زبان ادب‌پایداری، ویژگی‌هایی خاص ادبیات‌جنگ یا انقلاب، اشاره کرده‌اند، نگاه این گروه از محققان به موضوع سبک و ساختار ادب‌پایداری، نگاهی است جامع و مسئله-مند؛ این ویژگی‌ها عبارتند از:

۲-۳-۱- زایایی زبان: از دید بسیاری از محققان، زبان ادب مقاومت زبانی زیاست که در هر زمان با توجه به مقتضات سیاسی اجتماعی و ادبی می‌توان عناصر و قالب‌هایی جدید را از آن انتظار داشت؛ این خصیصه می‌تواند در سه طیف مورد بررسی واقع گردد: ترکیبات، تصویرسازی-ها و معنا:

۲-۳-۱-۱- ترکیبات: موضوع زایایی زبان ادب‌پایداری در حوزه ترکیب‌سازی (با عناصر مختص جنگ و جهاد و امثالهم) موضوعی است مورد اتفاق غالب محققان حوزه پایداری؛ به طوری که می‌توان گفت کمتر محقق در تبیین سبک ادب‌پایداری به موضوع ترکیب‌سازی در ادب‌پایداری اشاره نکرده‌است؛ اعتقاد به این امر تا جایی است که کافی در کتاب خود باور به ایجاد «نهضت ترکیب‌سازی» (کافی، ۱۳۸۱، ۳۵). در ادب جنگ دارد. از دید وی ترکیب‌سازی که به اشکال مختلف در ادب‌پایداری بروز یافته است، از برجستگی‌های زبانی شعر جنگ و از علل تازگی این زبان خاص است. (برای اطلاعات بیشتر ر.ک همان).

۲-۳-۱-۲- تصاویر: زایایی زبان در ادب مقاومت در حوزه تصاویر نیز کمابیش مورد توجه محققان واقع گردیده است، از دیدگاه این پژوهشگران فراوانی و تنوع تصاویر در ادب مقاومت به ساختار این نوع ادبی تشخص ویژه‌ای بخشیده، تصاویری که غالباً پدید آمده از ساخت‌های خاص پایداری چون واژگان جنگی و نظامی است. از دید شهابی‌پور در بررسی قالب‌های شعری ادب انقلاب «تصویرسازی شاعران جنگ... به مدد کنایه‌ها، استعاره‌ها، تشبیه و تشخیص است که تصاویر کوتاه را با اضافه‌های استعاری یا تشبیهی خلق می‌کنند» (شهابی‌پور، ۱۳۸۹، ۱۷۵)، محقق دیگری در پژوهش خود بر این نکته تصریح دارد که «شعر این دوره (شعر انقلاب) از لحاظ صناعات لفظی و معنوی بی‌نهایت غنی و پر بار است؛... سرشار از گونه‌های مختلف جناس و تشبیه و استعاره و کنایه...» (اولیائی، ۱۳۷۳: ۴۶).

۲-۳-۱-۳- معنا: از دید بعضی محققان پایداری، بار مفاهیم والا و عمیق پایداری سبب می‌شوند واژه‌ها به سمت چند معنایی شدن یا نماد گرایی بروند؛ یکی از محققان اعتقاد دارد «نکته قابل

اعتنا در ساختار داستان‌های جنگ استفاده چشمگیر از نماد است» (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۲۲). بصیری نیز با اشاره به سرشار شدن پیمانه لفظ در ادب پایداری بیان می‌کند که به واسطه این امر «شاعر به دنبال نشانه‌ها و پیوندهای چندمعنایی است... او برای اوج بخشیدن به سخن خود، از هنجار عادی فراتر می‌رود و هاله‌ای از خیال می‌آفریند [و در این راه] از انواع صنایع بدیعی، وزن، ردیف، قافیه، هماهنگی‌های صوتی و موسیقی کلام بهره می‌گیرد» (بصیری، ۱۳۸۹: ۶۴). گفتنی است بحث در باب نظریات محققان پیرامون قافیه‌ها و ردیف‌های مورد استفاده در قالب‌های مختلف ادب پایداری خود مجالی گسترده می‌طلبد که به منظور اختصار در کلام در این جایگاه از آن عبور می‌کنیم.

۲-۳-۲- تازگی زبان: از دید عده‌ای از محققان، زبان ادب پایداری با تمام ساخت‌های کهنه و نو خود، به طور کلی زبانی تازه و با طراوت است که این امر سبب جذابیت آن برای مخاطبان می‌گردد. یکی از پژوهشگران معتقد است «از آنجا که انقلاب و جنگ دو پدیده تازه بودند، تازگی زبان در آثار ادبی مربوط به آنها بسیار طبیعی به نظر می‌رسد... استفاده آگاهانه از تکنیک و کارکردهای شعر قدیم و ادامه‌ی جریان نوجویی و ابداع را نیز باید به عنوان سبب‌های تازگی زبان شعر جنگ در نظر داشت» (کافی، ۱۳۸۱: ۳۵).

۲-۳-۳- مردمی شدن: از دید بعضی، زبان ادب پایداری - شاید به سبب تعهدمداری این نوع نسبت به جامعه - زبانی است مردمی؛ زبانی که مثل مردم و برای مردم حرف می‌زند. از دیدگاه اولیائی «زبان شاعر [شاعر انقلابی] و اصطلاحاتی که به کار می‌گیرد برای مردم مأنوس و آشناست و در عین حال عالی‌ترین مفاهیم فرهنگ اسلامی را در بر می‌گیرد» (اولیائی، ۱۳۷۳: ۴۵). با توجه به این سخن می‌توان ویژگی دیگری برای زبان ادب پایداری برشمرد که تا حدودی ناشی از مردمی بودن آن است:

۲-۳-۴- دینی شدن: به تبع مردمی بودن زبان ادب مقاومت، از دید محققان ادب انقلاب و دفاع مقدس ادبیاتی است دینی و عاشورایی، به عبارت دیگر ادبیاتی است با زبانی که جنگ را با دین و به طور خاص عاشورا پیوند زده‌است تا برای مردم دلپذیرتر و مقبول‌تر باشد؛ از دید فولادوند «شاعر جنگ... چون مردم، خون همه راستان تاریخ را در رگ‌های بریده شهیدانش می‌بیند و خویش را شریک همه کشتگان حق می‌داند» (فولادوند، ۱۳۷۳: ۳۶) و از سویی «جرم مردم خود را ماندن در خیمه‌گاه حق می‌بیند... در آن شبی که چراغ خاموش خیمه تو/ گریزپایان را/ مجال رفتن داد/ به خیمه گاه تو ماندیم، جرم ما این بود... ساعد باقری» (همانجا).

پارسی‌نژاد نیز در پژوهش خود به رنگ دینی عاشورایی داشتن رمان‌های جنگ اشاره دارد؛ از دید وی «در پشت رمان‌های هوادار ارزش‌های جنگ، ادبیات دین‌باوری نقش چشمگیری بازی می‌کند... (این) نویسندگان مخصوصاً درصدد بودند تا میان حوادث رخ داده در جنگ و واقعه کربلا پیوندی اندام‌وار و استوار برقرار کنند» (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۲۲).

۵-۳-۲- حماسی شدن: زبان ادب‌پایداری به سبب سخن گفتن برای مردم جامعه و نیاز به ایجاد شور و امید در آنها زبانی است حماسی؛ از دیدگاه اولیائی «در شعر انقلاب اسلامی حماسه جایگاه خود را داراست؛ با این تفاوت که در اینجا کوهی از کاه ساخته نمی‌شود...» (اولیائی، ۱۳۷۳: ۵۵). کافی روی‌آوری شاعران و نویسندگان مقاومت به عناصر حماسی اسطوره‌ای را به «جسارت زبانی» (کافی: ۱۳۸۱: ۴۸) تعبیر می‌کند، از دید وی «اسطوره‌های مذهبی، مخصوصاً آنها و آنجا که با مقاومت یا جنگاوری همراه بودند به خوبی در شعر جنگ بازتاب یافتند» (همان: ۵۰).

۶-۳-۲- صراحت در گفتار: از دید محققان، این نوع از ادبیات (خصوصاً ادبیات دوران جنگ و انقلاب) ادبیاتی است نسبتاً صریح و صادق؛ طاهری معتقد است «مهم‌ترین تغییر در زبان شعر (شعر جنگ)، حرکت به سوی صراحت بیان است» (طاهری، ۱۳۷۸: ۲۰۶) این خصیصه می‌تواند در ارتباط با مردمی بودن یا انگیزشی‌بودن زبان ادب مقاومت باشد.

۷-۳-۲- انگیزشی‌شدن: از دید محققان، زبان ادب‌پایداری زبانی است انگیزه‌بخش که مخاطبان خود را به تحرک و پویایی در جهت رسیدن به خواسته‌های خود وا می‌دارد، زبانی که تقاعد و بی‌تفاوتی را بر نمی‌تابد و چون فراخوانی سیاسی افراد را به مبارزه علیه بی‌عدالتی‌ها فرا می‌خواند؛ طاهری در پایان‌نامه خود آورده است «در این نوع شعر (شعر جنگ)، زبان در حکم ابزار است و نه هدف و از نقش‌های شش‌گانه‌ای که یاکوبسن مطرح می‌کند در نقش‌های ارجاعی و ترغیبی ظاهر می‌شود...» (طاهری، ۱۳۷۸: ۲۰۶).

۸-۳-۲- تحرک و پویایی: از دید محققان، ادب‌پایداری ادبیات ساکت و منفعلی نیست بلکه همانطور که افراد را به حرکت وا می‌دارد، خود نیز دائماً در حال انتقال از حالتی به حالتی دیگر است؛ اما تأمل در این موضوع که حرکت از کدام جهت به کدام جهت است، بحث‌های نسبتاً فراوانی را در حوزه ادب‌پایداری موجب گردیده است که این دسته از مباحث می‌توانند در طبقه-

بندی پژوهش‌های ادب‌پایداری در دسته تحقیقات با نگاه تطوری، تحقیقاتی که سعی محقق در آنها در جهت کشف نقطه آغاز و مسیر حرکت ادب‌پایداری است، مورد مذاقه بیشتر قرار گیرند.

در این بخش با توجه به گویا بودن عناوین، در حد امکان در جهت اختصار در کلام در هر قسمت به ذکر نمونه‌هایی از نظریات محققان اکتفا می‌نماییم:

۱-۸-۳-۲- حرکت از کلاسیک‌گرایی به نوگرایی: از دید شیرشاهی «گفتمان مسلط شعر ایران در سال‌های پیروزی انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی، گفتمانی کلاسیک بود... شاعران نوپرداز پس از انقلاب اسلامی، از میانه‌های دهه ۱۳۶۰ به سرودن اشعار پرداختند...» (شیرشاهی، ۱۳۹۰: ۱۲۷).

۲-۸-۳-۲- حرکت از نوگرایی به کلاسیک‌گرایی: از دید پورچافی حرکت ادب‌پایداری (ادب جنگ) از ادبیات نیمایی به سمت ادب کلاسیک بوده‌است، چرا که «این شاعران (شاعران جنگ)... فرصت و فراغت آن را نداشته‌اند تا به تساوی طولی مصراع‌ها و نظم مبتنی بر نوع خاص قافیه‌بندی شعر کلاسیک بیندیشند» (حسین‌پور، ۱۳۸۰: ۳۴۵) یا به تعبیری دیگر «شاعر برای ظهور و بروز، مجال و میدانی فراخ‌تر از دایره تعریف شده... قالب شعر کلاسیک می‌طلبیده است...» (همان) طاهری در پژوهش خود می‌نویسد «پیداست سرایش شعر برای آنان (شاعران کم‌تجربه آغاز جنگ) در قالب‌های کلاسیک بسی راحت‌تر از قالب‌های نو بود. زیرا گفتن شعر نو مستلزم داشتن ذهنیت جدید و آگاهی کامل با رازهای و رمزهای آن است...» (طاهری، ۱۳۷۸: ۱۹۴).

۳-۸-۳-۲- از شعاری بودن به شعر شدن: این موضوع که ادبیات‌پایداری در مقاطعی خاص خود ادبیاتی است شعاری و به عبارت دیگر ادبیاتی مستقیم و صریح، مورد اتفاق بسیاری از محققان حوزه پایداری است که به نظر می‌رسد این امر با توجه به نوع کارکرد این نوع ادبی (انگیزه-بخشی) قابل توجیه است. عده‌ای از این محققان به حرکت ادب‌پایداری از شعارگونه‌گی به شعرگونه‌گی (ادبیاتی با تمام ادوات و فنون شعری) اشاره کرده‌اند؛ مرجان فولادوند در پژوهش خود با طبقه‌بندی جریان شعر جنگ به سه دوره خاص، به بررسی سیر تحول شعر جنگ از شعارزدگی به سمت شعرگونه‌گی پرداخته است. (برای اطلاعات بیشتر ر.ک فولادوند: ۱۳۷۳).

اعتقاد به این حرکت، از شعاری بودن به سمت تکنیکی و ادبی شدن، در حوزه داستان مقاومت نیز مطرح است؛ محمد حنیف در کتاب خود با اشاره به این موضوع، بیان می‌کند که «تمایل

کلی نویسنده‌گان ادبیات داستانی دفاع مقدس و جنگ در بدو پیدایش آن خلق آثاری واقع‌گرایانه بود. برخی از آن داستان‌ها به شعار توجه خاصی داشتند... با عبور از سال‌های پایان جنگ، (در) داستان جنگ... به تکنیک‌های داستان‌نویسی بیشتر توجه شد...» (حنیف، ۱۳۸۸: ۶۱).

۴-۳-۲- از برون‌گرایی به درون‌گرایی: مرجان فولادوند در پژوهش خود، در باب ویژگی‌های سه دوره شعری در ادب مقاومت می‌نویسد «اگر شاعر در دوره اول (دوره ابتدایی شعر جنگ) از جامعه برای جامعه می‌گفت، در دوره دوم از تأثیر دردها و شادی‌های جامعه بر دل و جان و احساس و اندیشه خود می‌گوید، شعر درونی‌تر می‌شود...» (فولادوند، ۱۳۷۳: ۳۵).

در پایان باید گفت مباحث بررسی و معرفی شده در این مقال، تنها اهم نظریات محققان بود که به نظر می‌رسد این مقدار از بحث، خود مبین اهمیت موضوع سبک ادب پایداری در دید پژوهشگران است، همچنین با توجه به مباحث پیشین، می‌توان در نگاهی کلی و جامع، چنین متصور شد که تأثیر مضامین بر زبان ادبیات و آنگاه تأثیر وضعیت ساخت‌های زبانی و قالب‌های ادبی (ادب مقاومت)، سبب پدید آمدن بخشی از ویژگی‌های اصلی ادبیات مقاومت گردیده‌است، به عبارت دیگر، مضمون‌های خاص مربوط به حوزه پایداری مثل مظلومیت‌ها، مبارزات، رشادت‌ها، جنایات و... سبب ایجاد یا گسترش دسته‌ای از واژگان، تعبیر، اصطلاحات و قالب‌ها گردید که مجموعه این موارد، ویژگی‌های خاصی را در ادب پایداری پدید آورد که به نوعی، محتوای اصلی ادب پایداری را رقم زدند.

۳- نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در این مقال به آن اشاره شد، در باب نگاه پژوهشگران به موضوع سبک شناسی ادب پایداری می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که محققان حوزه ادب پایداری که به طور ویژه به این موضوع پرداخته‌اند، به سه صورت موضوع سبک و ساختار زبانی ادبیات پایداری را سنجیده‌اند. در این راستا عده‌ای در حیطه وضعیت ساخت‌ها و عناصر زبانی، عده‌ای در باب قالب‌های ادبی و عده‌ای در باب ویژگی‌های کلی زبان ادب پایداری سخن گفته‌اند که در هر مورد گستردگی نظریات ارائه شده سبب تقسیم‌بندی‌های دیگر از موضوع اصلی گردیده است؛ لیکن به طور کلی می‌توان گفت در دید پژوهشگران پایداری زبان ادب پایداری با توجه به قرار گرفتن آن به‌عنوان محمل مضامین خاص پایداری، زبانی است با تنوع ساختاری و پویایی چند جانبه که همین امر سبب جذب مخاطبان و انگیزه بخشی به آنها می‌گردد. در نگاه گسترده‌تر می‌توان چنین اذعان داشت که ویژگی‌های زبانی برخاسته از مضامین اصلی پایداری در این نوع، در گام

بعد برای ادبیات‌پایداری، ویژگی‌هایی کلی را رقم می‌زنند که با شناسایی این ویژگی‌های سبکی ساختاری، نه تنها ساختار و زبان که محتوای اصلی این نوع خاص ادبی را می‌توان شناسایی کرد.

منابع

کتاب‌ها:

- بهار، محمد تقی (۱۳۴۹). **سبک‌شناسی** نشر. تهران: پرستو و امیرکبیر.
- حنیف، محمد. حنیف، محسن (۱۳۸۸). **کندوکاوی پیرامون ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس**. بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۷۳). **انواع ادبی**. نشر نوید شیراز
- سنگری، محمد رضا (۱۳۸۹). **ادبیات دفاع مقدس (مباحث نظری و شناخت گونه‌های ادبی)**. نشر حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس
- شیرشاهی، افسانه (۱۳۹۰). **شعر مقاومت و دفاع مقدس**. نشر حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس
- کافی، غلامرضا (۱۳۸۱). **دستی بر آتش**. شیراز: نوید.

پایان‌نامه‌ها:

- آقانوری، نریمه (۱۳۹۳). نقد و تحلیل پژوهش‌های چاپی ادبیات‌پایداری در ایران تا پایان سال ۱۳۹۰. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
- حسین‌پور چافی، علی (۱۳۸۰). طبقه‌بندی و نقد و تحلیل جریانهای شعری فارسی از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷. پایان‌نامه: تربیت مدرس.
- طاهری، قدرت‌الله (۱۳۷۸). مقدمه‌ای بر تحلیل انواع ادبی در شعر جنگ. پایان‌نامه: تربیت مدرس.

مقالات:

- اولیائی، مصطفی (۱۳۷۰). «عناصر ویژه سبکی و زبانی ادبیات انقلاب اسلامی». مجموعه مقالات بررسی ادبیات انقلاب.
- ترابی، ضیاءالدین. امامی، صابر (۱۳۸۳). «ادبیات مقاومت در نگاهی به سرخ از پرند و پرواز». نشریه شعر. ش ۳۹.
- چهرقانی برچلوئی، رضا (۱۳۸۳). «تأملی در نسبت‌پایداری و ادبیات». نشریه شعر. ش ۳۵.

- سرهنگی، مرتضی. [...] (مصاحبه‌شوندگان) (۱۳۷۱). «ادبیات مقاومت جلوه‌ها و ارزش‌ها». نشریه کیهان فرهنگی. ش ۸۵.
- باقری، مهدی (۱۳۹۰). «نگاهی به سبک، پیشینه آن در ایران و اروپا و اصول سبک‌شناسی شعر». نامه پارسی. ش ۵۸ و ۵۹.
- بصیری، محمد صادق (۱۳۸۷). «بنای زبان در شعر دفاع مقدس». نامه پایداری. انتشارات گرا
- پارسی‌نژاد، کامران (۱۳۸۰). «فرم زبان و محتوا (داستانهای جنگ)». نشریه ادبیات داستانی. ش ۵۵
- درگاهی، محمود (۱۳۸۳). «جایگاه معنی در سبک‌شناسی شعر فارسی». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز. س ۴۷. ش ۱۹۳.
- شکار سری، حمید رضا (۱۳۸۹). «قالب‌های شعر دفاع مقدس». مقوله‌ها و مقاله‌ها.
- شهابی‌پور، ثریا (۱۳۸۹). «بررسی قالب‌های شعر فارسی در ادبیات انقلاب اسلامی شاخه دفاع مقدس». مجموعه مقالات فرهنگ عاشورایی و ادبیات دفاع مقدس.
- طیب، محمود. طیب، احترام (۱۳۸۹). «نقد ساختاری غزل دفاع مقدس». نامه پایداری. انتشارات گرا.
- فولادوند، مرجان (۱۳۷۳). «درآمدی بر سبک‌شناسی دوره‌ای شعر جنگ». شریه شعر.
- فیاض‌بخش، پرند (۱۳۸۱). «بررسی موضوعات، مضامین و قالب‌های شعر جنگ». فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی. دوره جدید. ش ۱.
- غیائی، محمد تقی (۱۳۷۳). سیر تحول سبک‌شناسی. پژوهش ادبیات معاصر جهان» ش ۱.
- کافی، غلامرضا (۱۳۷۷). «تماشای زخم‌های متبرک نگاهی به تحول سبک شعر انقلاب». مجموعه مقالات ادبیات انقلاب ادبیات.
- کافی، غلامرضا (۱۳۹۰). «سبک‌شناسی منظومه‌های ادبیات دفاع مقدس». نشریه ادبیات پایداری.